

در صفحه ۱۲ بخوانید...

محصول اتحاد | حسین تیموری کرمانی

تکرار ابدی جنایت | شهاب روحانی

قرص‌هایی برای غمگین نبودن | مارک هادون

... و ...

خبریه‌ها در ایران تاریخی اند اما...

تأمین و رفاه اجتماعی که یکی از آنها، سازمان‌های خیریه و کمک به افراد محروم و دردمانده و نیازمند است، از دوران باستان در ایران شروع شده است. من در مقاله‌ای تحت عنوان «رفاه و تأمین اجتماعی در عصرخامنه‌یشتیان»



ضعف اطلاعات و آموزش در امور خیریه

در دنیای امروز گسترده‌تری از خاستگاه افراد جامعه، باعث گسترده‌تری از نیازهای آنها و عملی شده است تا دولت‌ها به عنوان گوناگون نتوانند به‌عنوان مراجع و متولی نیازهای افراد جامعه، اثرگذار باشند...



# خیریه در نقش تأمین‌کننده رفاه اجتماعی باری که موسسات خیریه به دوش می‌کشند

بانگاهی مقایسه‌ای میان ایران و کشورهای توسعه‌یافته

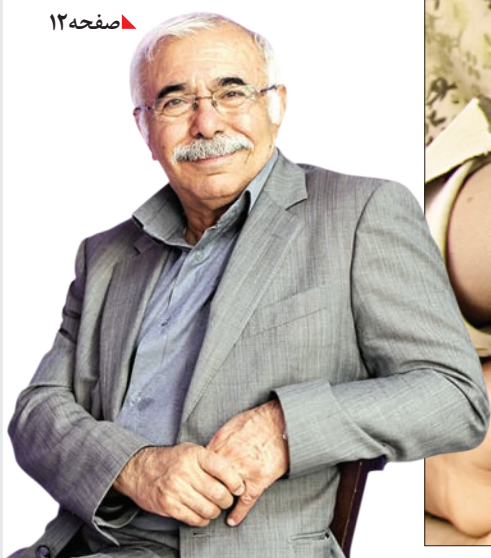


یک گفت‌وگوی صمیمی با محمدعلی بهمنی

## ۱۰ سال با شعر قهر کردم

غزل معاصر البته ترانه‌ها از ابتدای خلقتش در ایران، نام‌های بزرگی به جامعه معرفی کرده‌اند. یکی از کسانی که در طول سال‌های قبل و بعد از انقلاب در هر دو این حوزه‌ها فعالیت قابل توجهی داشت محمدعلی بهمنی است. بهمنی با ماست تادرباره زمینه اصلی‌اش برای ورود به دنیای شعر، قهر کردنش با غزل و خاطره‌اش از ناصر عبدالهی صحبت‌کند.

صفحه ۱۲



امکانات بیشتری هم ندارند که فعالیت‌های گسترده‌تری در زمینه ریشه‌کن کردن مشکلات آنها انجام دهند، در کشورهای پیشرفته وضع به گونه دیگری است. نگاهی اجمالی به برخی از سازمان‌های خیریه و مردم‌نهاد در کشورهای سازمان‌یافته آمریکا و سوئد چشم‌انداز جهانی آنها را نشان می‌دهد. آنها رویکردهایی در زمینه ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و گرمای داشت و حفظ کرامت انسانی در فقیرترین کشورهای جهان دارند. موسسه Care Canada با هدف خدمت‌رسانی به افراد و خانواده‌ها در کشورهای محروم و فقیر جهان شکل گرفته و به دنبال ایجاد فرصت‌های اقتصادی، تقویت ظرفیت‌های فردی، تاثیرگذاری و مقابله با تبعیض در هر حوزه‌ای است. این موسسه خود را بخشی از جنبش جهانی علیه فقر می‌داند.

دیگری موسسه خیریه Projecthome در فیلادلفیا است که برای بچه‌ها و خانواده‌های بی‌خانمان تلاش می‌کند تا وضع آنها را بهبود ببخشد. آنها با شعار: «هیچ کدام از ما خانه نداریم تا همه‌مان خانه نداشته باشیم» موسسه‌ای دارند که در بخش‌های مختلفی چون اتاق‌های گفت‌وگو و فعالیت در خیابان‌ها برای کمک به بی‌خانمان‌ها و تحقیق و پژوهش... چشم‌انداز خود را مشخص کرده‌اند.

یکی از نمونه‌های خیریه‌های کشور سوئد Syd Forum است که در برخی از کشورهای توسعه‌یافته چون کلمبیا، کامبوج، بلاروس، کوزوو و تانزانیا شعبه دارد و درباره مسئولیت دولت‌ها در زمینه حقوق بشر فعالیت می‌کند. آنها معتقدند کار براساس قانون به تغییرات ساختاری در جامعه می‌انجامد. این مسأله بر این پیش‌فرض استوار است که با تقویت توانایی مردم که بتوانند مطالبات حقوقی‌شان را طبق اصول ساماندهی کنند، فرصت‌های بیشتری برای مشارکت عمومی و فرموله کردن خواسته‌های سیاسی به وجود می‌آید.

اما مقایسه این موسسات خیریه با موسسات داخلی خودمان کار صحیحی نیست، چرا که با نگاهی جامعه‌شناسانه می‌توان به قدمت موسسات اشاره کرد، شهلا کاظمی پور در این زمینه می‌گوید: «آنها قدمت بیشتری دارند و ما تازه داریم قدم‌های اولیه را بر می‌داریم. یک مقداری از این تفاوت هم به مسائل تحریم‌های اقتصادی ایرانی‌ها و تورم داخل کشور برمی‌گردد.

بسیاری از مردم ما خودشان دغدغه‌ناک دارند و از حداقل‌های زندگی برخوردار نیستند که طمع نداشته، چند شغله باشند و بتوانند در فعالیت‌های مردم‌نهاد و موسسات خیریه فعالیت کنند.» اما در کشورهای توسعه‌یافته هم که نگاه بحث‌هایی پیرامون نقشی که موسسات خیریه می‌توانند در جامعه ایفا کنند صورت می‌گیرد. ماروین اولاسکی (استاد دانشگاه سردبیر هفته‌نامه world)، در کتاب تراژدی شفقت آمریکایی درباره موسسات خیریه این کشور عنوان کرده است که افراد فقیر به چک‌های افراد ناشناس که برای آنها وابستگی ایجاد کند نیاز ندارند بلکه آن چه که از موسسات خیریه انتظار می‌رود روندی است که می‌توان از آن به‌عنوان «عشق سخت» یاد کرد. کارهایی چون کمک به یک فرد برای ترک اعتیاد، کمک به یک پدر برای پرداخت نفقه به کودک، ایجاد انگیزه در افراد برای کار آن چیزی است که می‌توان از موسسات خیریه انتظار داشت. او اعتقاد دارد برهان‌هایی که می‌گویند، موسسات خیریه می‌توانند کارهایی را بهتر از دولت انجام دهند مناسب نیست چرا که اکثر بودجه آنها به صورت محلی تهیه و صرف می‌شود. این به این معنی است که آنها نمی‌توانند برای رفاه در سطح عمومی نقش مهمی ایفا کنند.

در مقابل سایت اطلاع‌رسانی درباره خیریه‌ها، charity choice نوشته است که طرفداران گسترش دولت، ایجاد رفاه عمومی را مساوی با فعالیت‌های خیریه‌ها و موسسات خیریه می‌دانند و در حالی که گسترش رفاه دولتی همزمان با نکات مثبت، نکات منفی همچون ایجاد مشوق‌های ضد تولیدی و کاهش رشد اقتصادی دارد. این مطلب در ادامه می‌گوید که تفاوت بین دولت رفاه و موسسات خیریه در نوع برخوردشان با افراد آسیب‌پذیر و وضع زندگی آنهاست. رفاه عمومی نقشی بیشتر از دادن کوبن غذا یا ارسال چک ندارد در حالی که موسسات خیریه با عشق به مردم، دانستن نام آنها و شناختن زخم‌ها و امیدهایشان به آنها کمک می‌کنند. با سیستم رفاهی که بر گرفتن مالیات از اقساط پرداخت‌شده و امکان اقساط ضعیف متوجه نشوند که پول چگونه به دستشان رسیده و این که خودشان هم می‌توانند تلاش کنند و زندگی‌شان را بهبود بخشند و به جای این که باعث شود افراد دیگر با بیشتر دوست

تعداد دقیق‌شان اعلام نشده اما طبق بعضی آمارها بیش از ۱۴ هزار موسسه خیریه در ایران فعالیت می‌کنند. خبر این تعداد را نی‌اله عشقی ثانی، مدیرعامل خانه خیرین ایران در اردیبهشت‌ماه امسال داده و گفته است که حدود ۳ هزار موسسه از این موسسات عضو خانه خیرین هستند و بخش زیادی از آنها در مقیاس کوچک‌تر فعالیت می‌کنند.

همین که نام مشهورترین‌ها و مأموریتی که برای خود تعریف کرده‌اند را بیابیم کافی است تا بدانیم که آنها برای گروه‌های نیازمند به کمک و به اصطلاح آسیب‌دیده یا آسیب‌پذیر فعالیت می‌کنند. گروه‌های ضعیفی که دیده نمی‌شوند، چه در بین مردم و چه در سیاست‌های اجتماعی دولتی، حالا این انجمن‌ها می‌خواهند با کمک خود مردم، این گروه‌ها را ببینند و به نیازهایشان رسیدگی کنند.

خیریه‌هایی برای کودکان، زنان، معلولان، بیماران، معتادان، کم‌درآمدها و اخیراً هم در زمینه محیط‌زیست و حیوانات که اغلب به‌طور تخصصی روی یک یا دو زمینه کار می‌کنند و به جز چند موسسه نام آشنا که فعالیت‌هایی در سطح کشوری دارند و در طول چندسال توانسته‌اند خود را گسترش دهند، بقیه در حوزه جغرافیایی محدودی فعالیت می‌کنند یا افراد کمی را تحت پوشش خود قرار می‌دهند و از بین آنها کم هستند موسساتی که توانسته باشند در این سال‌ها شیوه کار و اهدافشان را تویزیه کنند. آنها فشار مأموریت مهم‌تری دارند. باید بخشی از رفاه اجتماعی را که نصیب افراد جامعه نمی‌شود برای اقساط ضعیف که بیشتر از بقیه به این تأمین اجتماعی نیاز دارند در حد توان خود فراهم کنند.

اما موسسات خیریه تا چه حد می‌توانند جایگزین رفاه اجتماعی شوند؟ به گفته شهلا کاظمی پور، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، «وجود موسسات خیریه در یک جامعه حرکت مثبتی است اما نمی‌تواند نافی این شود که دولت‌ها مسأله رفاه اجتماعی را معقول بگذارند و کارها را به خیریه‌ها بسپارند. فعالیت خیریه‌ها برای زمان‌های مقطعی است مثلاً آنها می‌توانند دست‌خوردگان را که زیر خط فقر قرار گرفته، بگیرند و آن را بالا بکشند اما بحث رفاه عمومی در میان نیست و فعالیت آنها اساساً جنبه رفاهی ندارد. رفاه عمومی یعنی سطح زندگی آزاد جامعه بالا برود»

در شرایطی که اغلب موسسات خیریه در ایران در زمینه بهبود زندگی تعداد بسیار کمی از اقساط آسیب‌پذیر جامعه فعالیت می‌کنند و در حقیقت

شادی خوشکار  
خبرنگار گروه طرح نو



## یادداشت

### رابطه متقابل شکل‌گیری مسئولیت مدنی با خیریه‌ها

خیر خواهانه‌ای که خیرین انجام می‌دهند، تنها مشکل مالی حل نمی‌شود بلکه کسانی که به همت خود کمک می‌کنند (نه تنها کمک مالی) یک تعامل و ارتباط عاطفی می‌گیرد که ارزش بالاتری از کمک مالی دارد.

امروز آسیب‌دیدگان و نیازمندان مشکلات عظیم‌تری مثل بی‌توجهی و طرد شدگی دارند و تنها مشکلات آنها به مشکلات مالی ختم نمی‌شود.

نیازمندی و معدنی چه نیازی به خیرین و نیکوکاران دارند. این تلقی اشتباه که با کمک و حمایت چند خیریه چه دردی را می‌توان در بین مردم نیازمند درمان کرد همواره در کشورهای توسعه‌یافته وجود داشته و معمولاً افراد در این کشورها معتقدند به جای فعالیت خیریه‌ها، دولت‌ها باید از این منابع سرشار برای پاسخ دادن به این سوال باید تجربه‌ای که در دنیا اتفاق افتاده است را مرور کنیم.

امروزه در کشوری مثل آمریکا که صدها برابر بیشتر از ما درآمد دارند و سرانه ملی آنها قابل مقایسه با دیگر کشورها نیست، خیریه‌ها و نهادهای مدنی زیادی به صورت جدی فعالیت می‌کنند که نمی‌توان آن را با دیگر کشورها مقایسه کرد یا حتی در کشورهای توسعه‌یافته که منابعی به مراتب بیش از ما دارند نیز به این نتیجه رسیدند که حل مشکل نیازمندان صرفاً مسائل مالی نیست و سرانه ملی با نالی نمی‌تواند توجیه مناسبی باشد برای این که خیریه‌ها فعالیت نداشته باشند.

نکته قابل توجه این است که در فعالیت خیریه‌ها در ایران و کشورهای توسعه‌یافته هم به بی‌عاطفه‌ی می‌گویند، وجود سیستم رفاه دولتی باعث می‌شود که افراد دیگری به فکر هموعان خود نباشند و فکر کنند این تنها وظیفه دولت است.

با این وجود بحث درباره ایران و مشکلاتی که از نظر اقتصادی و فرهنگی گریبانگیر این جامعه است، نگاه دیگری را می‌طلبد. ابراهیم زرایی، اقتصاددان درباره نقشی که می‌توانیم از موسسات خیریه در کشور خودمان انتظار داشته باشیم، می‌گوید: «شدت فقر و بیکاری در جامعه ما از قدر زیاد است که موسسات خیریه توان ندارند تا رفاه اجتماعی را به دوش بکشند. این خیریه‌ها به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و بعضی از آنها امکانات و تلاش‌شان صرف صدقه می‌شود در صورتی که ما بیش از هر چیز نیاز به بازتوان سازی داریم تا اقساط کم‌درآمد و آسیب‌پذیر بتوانند کار کنند.

در اصل ۴۳ قانون اساسی وظیفه دولت است که شرایطی فراهم کند تا کسی بیکار نباشد و افراد با یک کار بتوانند زندگی‌شان را بچرخانند. به طوری که در حال حاضر ما در ایران چندین میلیون نفر بیکار داریم که نمی‌توانند زندگی‌شان را بچرخانند و دولت هم اراده نمی‌کند، قیمت‌ها را کم کند. دلیل عمده بی‌عدالتی‌های به وجود آمده سیاست‌های اقتصادی است که به صورت لیبرالی عمل می‌کند بدون این که مانند دولت لیبرال مسئولیت‌پذیری داشته باشد. دولت خود را مسئول هیچ مشکلی نمی‌داند و تنها کاری که می‌کند وام دادن است. در این شرایط یکسری فعالیت‌های خیریه راه افتاده که بخشی از بار رفاه عمومی را هم برمی‌دارد اما آنها هم احتیاج به نظام‌مند شدن و حتی حمایت دارند.»

موسسات خیریه‌ای که در مناسبتهای مذهبی یا ملی با کمک‌های مالی و مادی سراغ اقساط ضعیف جامعه می‌روند، تعدادشان زیاد است. اگر چه خیرین بیشتر به برخی نام‌های آشنا کمک می‌کنند تا منابع مالی لازم را به دست بیاورند اما باقی خیریه‌ها هم با فعالیت‌هایی چون بازارچه‌های خیریه و فعالیت‌هایی که حمایت مردم را جلب کند منابع مالی لازم را جهت کمک به متقاضیان‌شان که می‌توانند بیماران، معتادان، زنان سرپرست خانوار یا کودکان بازمانده از تحصیل باشند به دست آورند.

در این بین نیز هستند کسانی که فعالیت خیریه را راهی برای ایجاد تشخص برای بنیانگذاران می‌دانند. به گفته این اقتصاددان، «این مسأله نظارتی می‌خواهد که به بعد سیاسی کار آنها توجه نکند و ابعاد اجتماعی را در نظر داشته باشد.»

سعید معیدفر  
جامعه‌شناس



خیریه‌ها یک نوع فعالیت داوطلبانه از سوی مردم هستند که با انگیزه‌های مختلف ایجاد می‌شود.

خیرین با انگیزه‌های بالا برای کمک به افراد نیازمند در کنار هم جمع می‌شوند و هرگز به این مسأله فکر نمی‌کنند که کشوری با منابع سرشار نفت یا ذخایر فراوان نیکوکاران دارند.

این کشورها معتقدند به جای فعالیت خیریه‌ها، دولت‌ها باید از این منابع سرشار برای پاسخ دادن به این سوال باید تجربه‌ای که در دنیا اتفاق افتاده است را مرور کنیم.

امروزه در کشوری مثل آمریکا که صدها برابر بیشتر از ما درآمد دارند و سرانه ملی آنها قابل مقایسه با دیگر کشورها نیست، خیریه‌ها و نهادهای مدنی زیادی به صورت جدی فعالیت می‌کنند که نمی‌توان آن را با دیگر کشورها مقایسه کرد یا حتی در کشورهای توسعه‌یافته که منابعی به مراتب بیش از ما دارند نیز به این نتیجه رسیدند که حل مشکل نیازمندان صرفاً مسائل مالی نیست و سرانه ملی با نالی نمی‌تواند توجیه مناسبی باشد برای این که خیریه‌ها فعالیت نداشته باشند.

نکته قابل توجه این است که در فعالیت خیریه‌ها در ایران و کشورهای توسعه‌یافته هم به بی‌عاطفه‌ی می‌گویند، وجود سیستم رفاه دولتی باعث می‌شود که افراد دیگری به فکر هموعان خود نباشند و فکر کنند این تنها وظیفه دولت است.

با این وجود بحث درباره ایران و مشکلاتی که از نظر اقتصادی و فرهنگی گریبانگیر این جامعه است، نگاه دیگری را می‌طلبد. ابراهیم زرایی، اقتصاددان درباره نقشی که می‌توانیم از موسسات خیریه در کشور خودمان انتظار داشته باشیم، می‌گوید: «شدت فقر و بیکاری در جامعه ما از قدر زیاد است که موسسات خیریه توان ندارند تا رفاه اجتماعی را به دوش بکشند. این خیریه‌ها به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و بعضی از آنها امکانات و تلاش‌شان صرف صدقه می‌شود در صورتی که ما بیش از هر چیز نیاز به بازتوان سازی داریم تا اقساط کم‌درآمد و آسیب‌پذیر بتوانند کار کنند.

در اصل ۴۳ قانون اساسی وظیفه دولت است که شرایطی فراهم کند تا کسی بیکار نباشد و افراد با یک کار بتوانند زندگی‌شان را بچرخانند. به طوری که در حال حاضر ما در ایران چندین میلیون نفر بیکار داریم که نمی‌توانند زندگی‌شان را بچرخانند و دولت هم اراده نمی‌کند، قیمت‌ها را کم کند. دلیل عمده بی‌عدالتی‌های به وجود آمده سیاست‌های اقتصادی است که به صورت لیبرالی عمل می‌کند بدون این که مانند دولت لیبرال مسئولیت‌پذیری داشته باشد. دولت خود را مسئول هیچ مشکلی نمی‌داند و تنها کاری که می‌کند وام دادن است. در این شرایط یکسری فعالیت‌های خیریه راه افتاده که بخشی از بار رفاه عمومی را هم برمی‌دارد اما آنها هم احتیاج به نظام‌مند شدن و حتی حمایت دارند.»

موسسات خیریه‌ای که در مناسبتهای مذهبی یا ملی با کمک‌های مالی و مادی سراغ اقساط ضعیف جامعه می‌روند، تعدادشان زیاد است. اگر چه خیرین بیشتر به برخی نام‌های آشنا کمک می‌کنند تا منابع مالی لازم را به دست بیاورند اما باقی خیریه‌ها هم با فعالیت‌هایی چون بازارچه‌های خیریه و فعالیت‌هایی که حمایت مردم را جلب کند منابع مالی لازم را جهت کمک به متقاضیان‌شان که می‌توانند بیماران، معتادان، زنان سرپرست خانوار یا کودکان بازمانده از تحصیل باشند به دست آورند.

در این بین نیز هستند کسانی که فعالیت خیریه را راهی برای ایجاد تشخص برای بنیانگذاران می‌دانند. به گفته این اقتصاددان، «این مسأله نظارتی می‌خواهد که به بعد سیاسی کار آنها توجه نکند و ابعاد اجتماعی را در نظر داشته باشد.»

ادامه در صفحه ۱۱